

هگل یکی از برجسته‌ترین فلاسفه مغرب زمین و بزرگترین فیلسوف ایده‌آلیست آلمانی و از معدود فیلسوفانی است که آراء و نظارش از حدود و حوزه بحث‌های کلاسیک دانشگاهی در گذشته و در فضای پرطنین و جنبش مسائل سیاسی و اجتماعی نیز بازتاب و انعکاس ویژه داشته و به صورت گوناگون مورد استفاده یا سوءاستفاده قرار گرفته است. اهمیت ویژه هگل در تاریخ تفکر فلسفی به واسطه پلی است که بین فلسفه و تاریخ یا تاریخی دیدن سیر تحول و تکامل فلسفه ایجاد نموده است و از این رهگذر برای تفکر بشری به طور عام قائل به هویتی جمعی و درعین حال واحد و تاریخی شده است. از این رو شناختن و شناساندن آراء او برای فهم تفکر فلسفی در مغرب و بویژه شناخت نحله‌ها و گرایش‌های خاصی که پس از او و بر مبنای اندیشه‌های او شکل گرفت ضروری و لازم است.

شاید بتوان گفت در بین حکمای بزرگ غرب اندیشه هگل با تأخیر قابل توجهی نسبت به افکار دکارت و کانت در بین فارسی زبانان مطرح شد و در عوض پس از ورود خود بیش از آنها مورد بحث و بررسی قرار گرفت.

در بین هگل پژوهان و هگل شناسان ایرانی استاد دکتر کریم مجتهدی برجستگی و شایستگی خاص خود را دارد و شاید بتوان گفت پس از کتاب فلسفه هگل از

استیسی که به ترجمه ممتاز شادروان حمید عنایت در اختیار فارسی زبانان قرار گرفت و همچنان شان شایسته خود را در آثار مربوط به فلسفه هگل و تحلیل رسا و روشن آراء او دارد، تلاش‌های این استاد ارجمند است که نقش قابل توجهی در این زمینه ایفا می‌کند. ایشان تاکنون سه کتاب در زمینه فلسفه هگل به زبان فارسی نشر داده‌اند که هر یک به نوبه خود نقشی در شناساندن اندیشه‌های این فیلسوف نام آور برعهده دارد. نخست کتاب درباره هگل و فلسفه او دوم پدیدارشناسی روح برحسب نظر هگل و اکنون منطق از نظرگاه هگل.

منطق از نظر هگل با برداشتی که اذهان آشنا با منطق در عرف و سنت بحث‌های فلسفی دارند کاملاً متفاوت است. چرا که معمولاً منطق را به معنای صورت استدلال که در آن از شرایط و قواعد استنتاج بحث می‌کنند می‌دانند و به همین دلیل منطق را نوعاً با پسوند صوری مورد اشاره و گفتگو قرار می‌دهند. ولی منطق از نظر هگل با توجه به تحلیل خاصی که وی از رابطه ماده و صورت در تفکر ارائه می‌دهد، صرفاً منطق صوری نیست، بلکه منطق به معنای دیگری است.

به عقیده هگل برداشت سنتی از منطق به عنوان قواعد کاربرد اندیشه در بخش صورت و فرم مبتنی بر پیش فرضی است که مستقیماً از آن سخنی به میان نمی‌آید ولی به صورت مسلم فرض می‌شود و آن جدایی ماده و صورت اندیشه از یکدیگر است به نحوی که با یافتن صور صحیح استدلال و فرض صحت محتوای آن، نتیجه را هم باید مفروض الصدق انگاشت و در این مورد منطق دیگر عهده‌دار صحت مضامین و محتویات قضایای مورد استفاده در استدلال نیست. به همین دلیل است که صورت را می‌توان کاملاً برکنار از محتوی یا مضمون در نظر گرفت و قواعد و ضوابط آن را استخراج

و به صورت قواعد منطق صوری تنظیم کرد. ولی هگل اصولاً به چنین تفکیکی بین صورت و ماده تفکر قائل نیست. به نظر او مقصود از اینکه معمولاً گفته می‌شود که منطق علم درست فکر کردن است به طور کلی این است که تفکر فقط می‌تواند صورت محض و بسیط هر نوع شناسایی را در بر بگیرد و کاری با محتوای شناخت ندارد و در عمل از آن جدا و متمایز است. در این نظرگاه فکر به نحو تام انتزاعی و منطق انحصاراً صوری تلقی می‌شود و عنصر اصلی نه این صورت منطقی بلکه ماده و محتوی دانسته می‌شود که نتیجه فعالیت تفکر نیست، بلکه از محل و منشأ دیگری به آن افزوده شده است. مطابق این دیدگاه منطق که ماده و شناخت به هر نحو در مقایسه با آن کاملاً مجزا و مستقل تلقی شده است، جز در شرایط صدور شناخت نه فقط نمی‌تواند حقیقتی را بیان دارد بلکه حتی از قرار دادن ذهن در مسیری که منجر به کشف حقیقت واقعی شود نیز عاجز است، زیرا مبدأ اصلی حقیقت و عامل تعیین‌کننده آن نه ظاهر صوری آن، بلکه محتوی و ماده‌ای است که از خارج دریافت می‌شود نه از ذهن. ولی هگل این تلقی از منطق را نمی‌پذیرد.

به عقیده او فکر صرفاً صوری و فاقد محتوی نیست و هر فکری خواه ناخواه جنبه و درجه‌ای از حقیقت را - هر قدر هم اندک و ناچیز - نمایان می‌سازد. یعنی اینکه نمی‌توان گفت که صورت شناخت به نحو تام غیر از ماده و محتوای شناخت است و یا نمی‌توان این دو را نسبت به یکدیگر کاملاً خارجی پنداشت. بلکه میان ماده و صورت شناخت نوعی سنخیت وجود دارد. این دو یکدیگر را منعکس می‌کنند و در این انعکاس هر یک به نوبه خود مشخص و متعین می‌شود، در حد فکر محض صورت عین ماده و محتوا عین صورت است.<sup>۱</sup>

از این توضیحات روشن می‌شود که منطق از نظر

پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی  
پرتال جامع علوم انسانی

محمود یوسف ثانی

# منطق از نظرگاه هگل

هگل در واقع نظام عقل محض است و به همین دلیل بحث درباره روش فلسفه و ماهیت آن بحث در نفس منطق و اعتبار آن است و چون آنچه در مرکز فلسفه هگل و محور اصلی نظام فکری اوست همان «مطلق» یا «ذات مطلق» است، آن بخش از فلسفه که کاربرد آن پرده برگرفتن از گوهر ذات مطلق است، نزد او همان منطق می‌باشد. به عبارت دیگر علم اندیشه ناب در ذات خویش همان منطق است و البته این نظر نزد کسانی که منطق را علم صوری ناب می‌دانند یکسره جدا از علم مابعدالطبیعه دیدگاهی گزاف و حتی بی‌معنا به شمار می‌آید.<sup>۲</sup>

با توجه به اهمیتی که هگل برای منطق به مفهوم خاص خود قائل بود کتاب مستقلی با نام منطق در سه جلد تألیف کرد و علاوه بر آن در کتاب مهم و معروف خویش، دائرةالمعارف علوم فلسفی که تقریباً آخرین اثر مهم اوست و شامل سه قسمت «معنی» (مثال)، «طبیعت» و «روح» است، در قسمت اول آن مجدداً به منطق مطابق نظرگاه خویش پرداخت و در آن سه مبحث «وجود»، «ماهیت» و «ذات معقول» را مطرح ساخت و در واقع مباحث مطرح شده در کتاب منطق خود را تکمیل نمود.

آقای دکتر مجتهدی چنانکه خود در دیباچه متذکر شده‌اند، کتاب خویش را براساس این دو کتاب اصلی هگل فراهم آورده و در واقع گزارشی از همان دو کتاب را در اختیار فارسی‌زبانان قرار داده‌اند. بر همین اساس کتاب منطق از نظرگاه هگل از دو بخش تشکیل شده است. بخش اول گزارشی است از کتاب منطق هگل و بخش دوم گزارشی از قسمت منطقیات دائرةالمعارف علوم فلسفی.

در بخش اول پس از ترجمه پیش گفتارهای هگل بر چاپ اول و دوم کتاب منطق و بیان مفهوم منطق و

تقسیم کلی منطق، به ترجمه فصول اصلی کتاب پرداخته‌اند. اجزاء اصلی بخش اول به ترتیب عبارتند از: ۱- نظریه وجود که خود شامل سه قسمت است: قسمت اول: کیفیت تعیین شامل سه فصل با نام‌های وجود، موجود متعین، وجود لنفسه. قسمت دوم: کمیت، مقدار شامل سه فصل با عناوین کمیت، کوانتوم، رابطه کمی. قسمت سوم: اندازه شامل سه فصل با عناوین کمیت معین خاص، اندازه واقعی، صیوروت و ماهیت.

۲- نظریه ذات دارای سه قسمت، قسمت اول: ماهیت به عنوان انعکاس در خود شامل سه فصل با عناوین امر ظاهر، ماهیات یا تعینات انعکاسی، پایه و اساس. قسمت دوم: پدیدار شامل سه فصل با عناوین موجود، پدیدار، رابطه ذاتی. قسمت سوم: واقعیت شامل سه فصل با عناوین مطلق، واقعیت، رابطه مطلق. ۳- منطق صورت معقول شامل سه قسمت، قسمت اول: درون ذات شامل سه فصل با عناوین صورت معقول، حکم، استدلال. قسمت دوم: برون ذات شامل سه فصل با عناوین حیات، معنای شناخت، معنی مطلق.

گزارش بخش منطقیات دائرةالمعارف علوم فلسفی نیز شامل سه قسمت است، قسمت اول: نظریه وجود. قسمت دوم: نظریه ماهیت و قسمت سوم: نظریه صورت معقول. علاوه بر این کتاب دارای یک واژه‌نامه توصیفی از برخی اصطلاحات فنی فلسفه هگل است که در جای خود سودمند و ارزشمند است. چنانکه واژه‌نامه، فهرست اعلام و فهرست منابع نیز از دیگر ضمایم کتاب می‌باشد.

از آنجا که پیش از این گزارش مستقلی از منطق هگل به زبان فارسی وجود نداشت و این کتاب برای نخستین بار چنین کاری را به انجام رسانده، در واقع وظیفه‌ای شاق و دشوار را برعهده گرفته است و با عنایت به استفاده از اصطلاحات و تعبیرات جا افتاده و پذیرفته

برای ترجمه این گونه متون، متن نسبتاً منقح و قابل اعتمادی از منطق هگل را به دست داده است. ولی نکته‌ای که در اینجا تذکر آن لازم به نظر می‌رسد این است که در مورد چنین کتابهایی که با نام گزارش عرضه و ارائه می‌شوند نه می‌توان آنها را مستقیماً ترجمه متن خاصی از مولف خاصی دانست و نه اینکه آنها را صرفاً برداشتها و تحلیل‌های مترجم یا مؤلف به شمار آورد. عنوان کتاب (منطق از نظرگاه هگل) حکایت از آن دارد که کتاب مربوط به منطق هگل و در واقع مبین برداشت‌های جناب دکتر مجتهدی در مورد آن هستند ولی متن کتاب چنین چیزی را نشان نمی‌دهد و در پانویس‌های آن هیچ ارجاعی (جزیک مورد) به متون و آثار دیگر مربوط به فلسفه و منطق از نظر هگل دیده نمی‌شود و بنابراین این حدس تقویت می‌شود که کتاب ترجمه‌ای است از یک یا دو اثر هگل. از سوی دیگر به گفته خود مؤلف یا مترجم محترم، این کتاب صرفاً گزارشی از دو کتاب هگل است ولی چنانکه از لفظ گزارش مستفاد می‌شود، ترجمه مستقیم آن دو اثر نیز نیست بلکه با تصرفات و حذف و اضافاتی انجام شده است. ولی حدود این تصرفات چیست و چه مقدار است، برخواننده روشن نیست. در چنین مواردی خواننده نمی‌داند که آیا دارد مستقیماً متن اثر هگل را مطالعه می‌کند و یا آنکه صرفاً برداشتها و استنباطات پدیدآورنده کتاب در مورد منطق هگل است. خوب بود که مؤلف یا مترجم در همان آغاز مراد و منظور خویش از گزارش را بیان می‌کردند و حدود و شغور آن را روشن می‌ساختند.

پی‌نوشت‌ها:

۱- منطق از نظرگاه هگل، ص ۲۴

۲- تاریخ فلسفه غرب، کاپلتون، ترجمه داریوش آشوری، سروش، ج ۲ ص ۱۹۱.

پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی  
پرتال جامع علوم انسانی



کریم مجتهدی

پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی

تهران، ۱۳۷۷